

وقتی درندگان به جان مردم سالاری می‌افتند

۸ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۲۹

اینکه آمریکا مطرح می‌کند که به دنبال دموکراسی در منطقه است دروغ بزرگی است چرا که تلاش آمریکا توسعه و حفظ اسرائیل است در حالی که نظر مردم منطقه مخالف اسرائیل و ضداسرائیلی است.

حسین شیخ‌الاسلام، مشاور بین الملل رئیس مجلس طی یادداشتی در هفته نامه آدینه تهران نوشت: برای درک بهتر این مقوله که در حال حاضر جریان بیداری اسلامی در کشورهای منطقه در چه وضعی به سر می‌برد، لازم است ریشه‌های شکل‌گیری این جریان بیان شود. بیداری اسلامی در اثر بیداری که انقلاب اسلامی ایران ایجاد کرد و اینکه مردم با انگیزه الهی به صحنه بیایند و زیر نظر رهبری مشخصی حرکت کنند، جرقه زده شد. این روش مخصوص حضرت امام(ره) بود که مردم با دست خالی مقابل حاکم ظالم و جور بیاستند. امام راحل(ره) به مناسبت‌های مختلف این روش را که در انقلاب ایران آزمایش شد و بعد در تسخیرلانه جاسوسی و بعد در بنا نهادن روز قدس دوباره امتحان کردند. همین موضوع باعث بیداری دیگر کشورهای اسلامی در طول زمان شد. اولین کشوری که به روز قدس لبیک گفت مصر بود. ملت مصر همزمان با ایران به خیابان آمد؛ هر چند دولت مصر آنها را سرکوب کرد، اما بعد از آن ۳۰ سال طول کشید که بیداری اسلامی دوباره در مصر قوت گرفت. همواره در کشورهای گوناگون دو جریان ضد اشغالگری و جناح پادشاهی و دیکتاتوری و سلطه‌گری مقابل هم هستند که با هم در ستیز هستند و برآیند این دو جناح سمت و سوی کشور را تعیین می‌کند. همانطور که در ایران هم در زمان شاه این دو جریان مقابل هم ایستادند. بعد از سی سال مردم کشورهای اسلامی بدون داشتن رهبری کاملی با جرقه‌هایی که زده شده بود؛ مانند آتش زدن بو زیدی در مصر و موضوعات این چنینی شعله‌های بیداری اسلامی آغاز شد. مردم همه می‌دانستند که چه کسی را نمی‌خواهند و شعار هم می‌دادند که این نظام باید ساقط شود اما به دلیل نبود رهبری و روشن نبودن نظریه انقلاب برای آنها نمی‌دانستند چه چیزی را باید جایگزین آن کنند. این دو موضوع را در دو خطبه مقام معظم رهبری می‌توان به خوبی مشاهده کرد که چطور به ملت مصر تذکر دادند و اوضاع آینده را برای آنها ترسیم کردند. اهمیت مصر از این جهت است که مصر بیش از ۵۰ درصد جهان عرب هم از نظر جمعیت و اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. هر چه در مصر اتفاق افتد، در دیگر نقاط جهان عرب هم تکرار خواهد شد. از همین رو رهبری دو خطبه برای مصر بیان داشتند و با ملت مصر صحبت کردند(زمانی که هنوز انقلابی هم در مصر حادث نشده بود) یکی از این خطبه‌ها قبل از پیروزی انقلاب مصر است و یکی بعد از پیروزی در این دو خطبه رهبری به عربی ملت مصر را خطاب قرار داده و هر چه بعدا اخوانی‌ها و مرسی اشتباه کردند در این خطبه‌ها به آنها تذکر داده شد. اما به دلیل توطئه بزرگ استکبار برای جلوگیری از رشد مردم سالاری در جهان اسلام مرسی و اخوان المسلمین دچار شکست شدند. ریشه این قضیه هم به این بر می‌گردد که نظام مردم سالاری با نظام شاهنشاهی مانند جن و بسم الله هستند و یکجا جمع

نمی‌شوند؛ پس چون آنها جریان مردم سالاری را که منشعب از انقلاب اسلامی ایران است مخالف نظام شاهنشاهی می‌دیدند، برای انحراف آن دست به کار شدند و آنرا به جریان اختلاف شیعه و سنی منحرف کردند. جریانی که در مصر موفق شد و اخوانی‌ها این اشتباه را کردند. در بحرین که واقعا مردم دموکراسی می‌خواستند و می‌گفتند هر بحرینی یک رای، در آنجا هم متأسفانه جریان را منحرف کردند و جنگ دموکراسی را به شیعه و سنی تبدیل کردند. در حال حاضر هم می‌خواهند این کار را در سوریه و عراق ادامه دهند. در عراق هم که یک دموکراسی نوپا بود؛ تمام توانشان را به کار بردند تا مردم سالاری واقعی موفق نشود. شکل‌گیری چنین انحرافات زمینی ساز تشکیل گروه‌های جدید شد. برای شکل‌دهی انحراف امریکایی‌ها و شاهنشاهی‌ها همه توان خود را به کار بردند. از جمله سازمان‌های اطلاعاتی آنها از همان ابتدا سازمان‌های تند به اسم اسلام‌گرا برای خراب کردن چهره اسلام و هم برای اینکه مدل جدیدی داشته باشند به راه انداختند. طالبان را در افغانستان ایجاد کردند که از آن القاعده در افغان‌های عرب ایجاد شد. خود خانم کلینتون هم در کمیته سیاسی سنا عنوان کرد که ما القاعده را سازماندهی کردیم و همین کار را امریکا در زمان اشغال عراق با افراد خائنی که در زندان بودند و آماده همکاری بودند انجام داد. از جمله ابومصعب زرقاوی است که رئیس شاخه القاعده عراق شد و یا جولانی که رئیس القاعده سوریه شد و بغدادی که رئیس داعش شد. از همه مهمتر تمام افسران و نظامی‌های فرماندهان بعث که در زندان ام‌القصر تحت کنترل امریکا بودند همه تحت رهبری سی‌آی‌ای (CIA) جمع شدند و داعش را ساختند. تئوری داعش این بود که چون در عراق شیعه در اکثریت است برای اینکه این توازن را بر هم بزنیم باید حکومتی در سوریه و عراق بسازیم که سنی در اکثریت باشد و اینگونه داعش (دولت اسلامی عراق و شام) به راه افتاد. تمام این موارد برای این بود که یک نوع حکومت اسلامی ارائه کنند که رای‌گیری در آن حرام باشد تا با مردم سالاری مقابله کنند و در پی آن دیکتاتورها سقوط نکنند. در همین راستا بود که طالبان در افغانستان انگشت هر کس را که رای داد بریدند و مسئولین برگزار کننده رای‌گیری را دار زدند. درباره سوریه هم باید گفت که این جریان با راه حل سیاسی برای سوریه مخالفت کردند. چون راه حل سیاسی دموکراسی و مردم سالاری بود.

اینکه امریکا مطرح می‌کند که به دنبال دموکراسی در منطقه است دروغ بزرگی است چرکه تلاش امریکا توسعه و حفظ اسرائیل است در حالیکه نظر مردم منطقه مخالف اسرائیل و ضد اسرائیلی است. پس چطور امریکا اجازه می‌دهد حکومتی مردمی در منطقه شکل گیرد که با اسرائیل مخالف باشد؟ بنابراین دوستان امریکا در منطقه همه شاهنشاهی هستند و از مردم سالاری گریزان هستند.

اما انتخابات سوریه تا حدی اوضاع را سامان داد و شرایط را تغییر داد تا حدی که اوباما هم به این قضیه اعتراف کرد. این موضوع را هم نباید از یاد برد که اساس شکل‌گیری گروه‌هایی مانند داعش چه بود و هدف از پرورش آنها در منطقه چیست. بنابراین در نظر گرفتن این اهداف با شرایط و حال و اوضاع کشورهای منطقه به خوبی می‌تواند دورنمایی از وضعیت را روشن کند. اگر هدف این گروه‌ها برای مردم منطقه تبیین شود تصمیم‌گیری برای جهت‌دهی به بیداری اسلامی نوپایی که در منطقه ایجاد شده است بسیار ساده خواهد بود

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۰۴۴/افتند-میه-سالاری-مردم-جاز-بدرنگان-وقتیه/>